

چشم‌انداز پسابرجام روابط گازی ایران و روسیه در الگوی مشارکت

راهبردی

سید حسن میرفخرایی^۱

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

امید رحیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران، تهران

آرش سفیدی کاسین

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران، تهران

چکیده

گاز طبیعی در سال‌های اخیر به کالایی راهبردی در بازار انرژی تبدیل شده و در حال بازیابی روزافزون جایگاه خود در این مجال می‌باشد. از این رو جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به دلیل برخورداری از این موهبت الهی، جایگاهی ویژه در این عرصه یافته‌اند. ایران، تاکنون نتوانسته آنطور که مورد انتظار است از این کالای راهبردی در عرصه‌های جهانی بهره‌برداری و استفاده از آن تنها به حوزه‌های داخلی محدود بوده است، لکن با امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، دریچه‌های نوینی برای توسعه صنایع و صادرات گاز، پیش‌روی خود قرار داده است. در کنار غرب، یکی از بازیگران مهم این عرصه، فدراسیون روسیه می‌باشد. از این رو این سوال پیش می‌آید که چه چشم‌اندازی در روابط گازی پسابرجام ایران - روسیه وجود داشته و در این راستا چه بایسته‌های سیاست‌گذارانه‌ای پیش‌روی کشورمان قرار دارد؟ در پاسخ می‌توان اینگونه اظهار داشت که با در نظر گرفتن افزایش ظرفیت صادرات گاز ناشی از فرصت‌های پسابرجام، دو کشور فضایی توأمان رقابت‌وار و همکاری‌جویانه خواهند داشت که در این میان چیرگی و وجهه رقابت یا همکاری به ملاحظات سیاسی و امنیتی دو کشور در سطوح گوناگون بستگی دارد. در حال حاضر تحولات سوریه و اوکراین بستر مناسبی برای همکاری دو کشور فراهم آورده است؛ از این رو روابط فی‌مابین به سمت الگوی مشارکت راهبردی رهنمون شده و به‌منظور حفظ و ارتقاء آن، سیاست‌گذاران این عرصه می‌بایست ملزوماتی را در سند چشم‌انداز سیاست‌های گازی برای آینده رعایت نمایند.

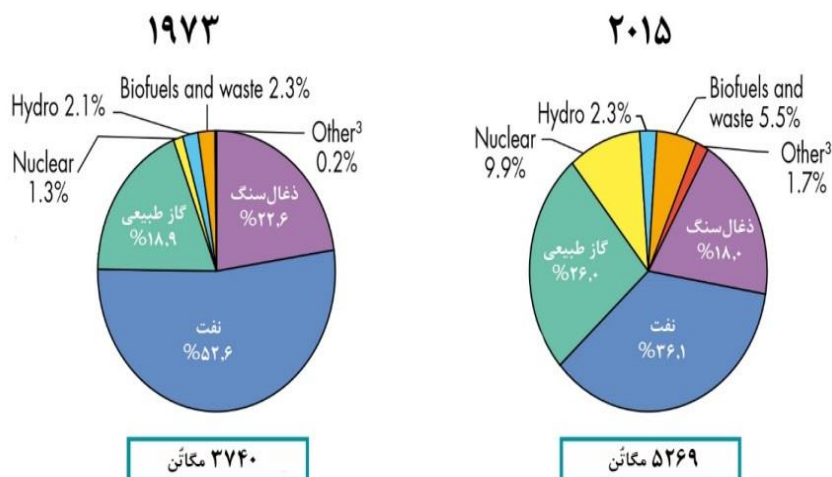
واژه‌های کلیدی: ایران، روسیه، برجام، بحران سوریه، مشارکت راهبردی.

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

حیات انسان همواره به انرژی وابسته بوده است. در دنیای مدرن شاید وابستگی بشر به انرژی، پیچیدگی بیشتری یافته و امروزه شاید صرف دسترسی به انرژی مقوله فکری اساسی انسان مدرن نباشد، بلکه فاکتورهای گوناگونی علاوه بر ذات بنیادین آن مد نظر است. از این روست که جهان امروز نیاز انسان به انرژی را از طریق حامل‌های گوناگونی چون نفت، گاز طبیعی، ذغال‌سنگ، انرژی هسته‌ای و یا انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین می‌کند. با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فوق‌الذکر، شاید گزارف نباشد اگر ادعا کنیم گاز طبیعی در کنار دیگر حامل‌های انرژی به جایگاه منحصر به فردی دست یافته است. گاز طبیعی را می‌توان در زمره پاک‌ترین سوخت‌های فسیلی قرار داد که اثرات زیست‌محیطی مخرب کمتری داشته که همین امر موجب گردیده توجه ویژه و روزافزونی نزد مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به خود جلب نماید. روند صعودی سهم گاز طبیعی در سبد انرژی جهان، شاهدی بر این مدعاست. همانطور که در شکل ۱ نیز پیداست، با افزایش مصرف انرژی جهان از ۳۷۴۰ مگاتن^۱ در سال ۱۹۷۳ به ۵۲۶۹ مگاتن در سال ۲۰۱۶، سهم نفت و ذغال سنگ به ترتیب ۱۶،۵ و ۴،۶ درصد در سبد انرژی جهانی کاهش یافته و گاز طبیعی با رشدی ۷،۱ درصدی، بیش از ربع مصرف انرژی بشر را به خود اختصاص داده است. بنابراین طبیعی است که این افزایش تولید و مصرف، گاز را به یک ماده راهبردی و تأثیرگذار بدل خواهد کرد. ابزاری که قدرت تأثیرگذاری آن از دنیای محدود عرضه و تقاضای اقتصادی فراتر رفته و وارد وادی پیچیده سیاست شده است.

^۱ Mtoe, one million toe



نمودار ۱ مقایسه مصرف انرژی در جهان در سال‌های ۱۹۷۳ و ۲۰۱۴
Source: OECD/IEA Keyworld Energy statistics 2016, p.7

از این رو کشورهای برخوردار از موهبت انرژی، از آن به عنوان اهرمی توازن‌ساز^۱ برای نیل به مقاصد سیاسی خود استفاده نموده‌اند. اهرمی که امروز در تعاریف موسع قدرت مدرن، جایگاه خود را به خوبی باز یافته است. در این میان جمهوری اسلامی ایران (Mossallanejad, 2014: 37) و فدراسیون روسیه نیز با قرار گرفتن در زمره کشورهای با بیشترین ذخایر اثبات شده گاز در جهان، از جایگاهی ویژه برخوردارند. با عنایت به نگرش انتقادی دو کشور به ساختار فعلی نظام بین‌الملل این موضوع اهمیت دوچندانی می‌یابد.

البته باید ادعان داشت که در یک دهه اخیر به دلیل تحریم‌های اعمالی توسط غرب بر ایران، کشورمان نتوانسته است از این اهرم ارزشمند به خوبی در اقتصاد و سیاست خارجی‌اش بهره‌برد. تحریم‌هایی که در حوزه‌های گوناگونی چون اکتشاف، استخراج، فرآوری، فروش، انتقال و ... بر صنعت گاز کشورمان تأثیر گذارده‌اند. اگرچه کشورمان در این

^۱ Balancer leverage

دوران با اتکاء به توان داخلی و نیروهای بومی توانست تأثیرات این تحریم‌ها را تا حد قابل توجهی بکاهد، اما همچنان تأثیرات این تحریم‌ها در خنثی‌سازی این اهرم توازن‌ساز، غیرقابل کتمان می‌باشد. به هر ترتیب با توافق هسته‌ای و امضاء برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) تا حد زیادی این موانع برداشته شده و دریچه‌های نوینی بروی این صنعت ارزشمند کشورمان گشوده شده است. با عنایت به نگاه‌های مشترک کشورمان و فدراسیون روسیه، پرسشی که در این میان مطرح می‌شود این است که چه چشم‌اندازی در رقابت یا همکاری این دو کشور در عرصه بین‌الملل و در حوزه گاز طبیعی وجود دارد و در این چشم‌انداز چه بایسته‌های سیاست‌گذارانه‌ای را کشورمان می‌بایست به منظور دستیابی به اهداف و منافعش رعایت نماید؟ پاسخ موقتی که در مقابل این پرسش بیان می‌شود اینگونه است که اگرچه در حال حاضر با توجه به تراز منفی صادرات گاز ایران فضایی برای رقابت دو کشور در عرصه صادرات گاز طبیعی وجود ندارد، لکن با در نظر گرفتن تحولات ناشی از برجام در آینده‌ای نه‌چندان دور بر حجم صادرات کشورمان، دو کشور فضایی توأمان رقابت‌وار و همکاری‌جویانه خواهند داشت که در این میان با نگاهی واقع‌گرایانه چیرگی وجهه رقابت یا همکاری به ملاحظات سیاسی و امنیتی دو کشور در سطوح گوناگون بستگی داشته و در حال حاضر تحولات سوریه و اوکراین زمینه و بستر بسیار مناسبی برای همکاری دو کشور فراهم آورده است. از این رو روابط فی‌مابین دو کشور به سمت الگوی مشارکت راهبردی رهنمون شده و به‌منظور حفظ و ارتقاء این مشارکت راهبردی، سیاست‌گذاران این عرصه می‌بایست ملزوماتی را در سند چشم‌انداز سیاست‌های گازی برای آینده رعایت نمایند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با پذیرش پارادایم علمی-تجربی و اتخاذ استراتژی قیاسی (بهره‌گیری از رهیافت نظری رئالیسم تدافعی کنت والتز)، می‌کوشد چشم‌انداز همکاری و رقابت جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در حوزه صادرات گاز را توضیح و تبیین نماید.

رقابت ایران و روسیه در حوزه صادرات گاز: وضعیت فعلی و چشم‌انداز آتی

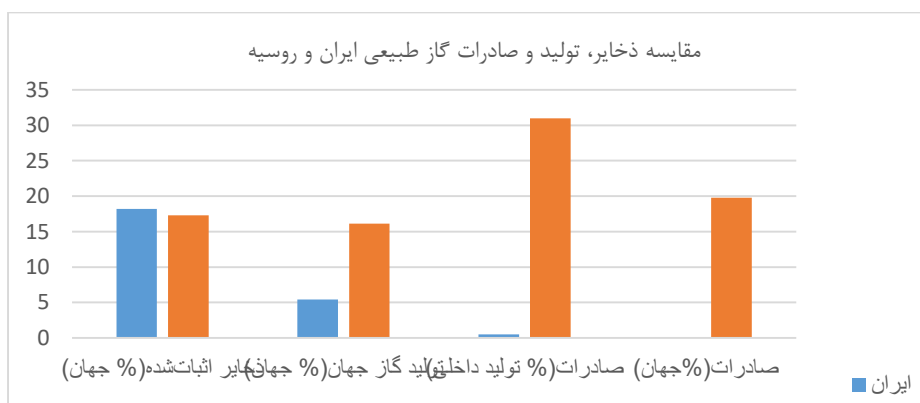
رقابت‌های اقتصادی و بعضاً سیاسی از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر روابط میان کشورهای صادرکننده انرژی می‌باشد. این رقابت می‌تواند در حوزه‌های متعددی به وقوع بپیوندد که اقتصاد مبتنی بر بازار و ارزش مبادله‌ای انرژی در دنیای امروز، از ملموس‌ترین آن‌ها است. در این راستا دستیابی به بهترین بازار، بهترین مسیر، شیوه انتقال و سبک توزیع در میان انبوهی از طرح‌ریزی‌های گوناگون تعرفه‌ها و مالیات‌ها، از ملزومات قیمت‌گذاری مبتنی بر بازار می‌باشد (CEE, 2009:4-5). از طرفی، این رقابت پیوند نزدیکی با امنیت نیز یافته است که در زمینه صادرات گاز طبیعی، دو مقوله بازه زمانی^۱ و حاکمیت شرکتی^۲ از اهمیت مضاعفی برخوردارند (OCED, 2007:17). طبیعی است که دو کشور فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران نیز به رغم تمام انتقادات به ساختار کنونی بازار انرژی در جهان، از این قاعده مستثنا نبوده و نیستند.

بر اساس آخرین آمار ارائه شده توسط بریتیش پترولیوم در سال ۲۰۱۶، ذخایر اثبات‌شده قابل برداشت ایران تا پایان سال ۲۰۱۵ به ۳۴ تریلیون متر مکعب می‌رسد که این مقدار معادل ۱۸,۲ درصد کل ذخایر گازی جهان بوده و ایران را از این منظر در رتبه نخست جهان قرار می‌دهد. از طرف دیگر فدراسیون روسیه با داشتن ۳۲,۳ تریلیون متر مکعب (۱۷,۳ درصد کل ذخایر) با فاصله اندکی از ایران در جایگاه دوم ایستاده است. اما به لحاظ استخراج گاز طبیعی این جایگاه‌ها کمی متفاوت می‌باشند. ایران با استخراج ۱۷۳,۲ میلیون تن، تنها ۵,۴ درصد از گاز جهانی را تولید می‌کند که این رقم در مقایسه با تولید ۵۱۶ میلیون تنی روسیه (معادل ۱۶,۱ درصد گاز تولیدی در جهان)، رقم بسیار کوچکتری می‌باشد. اما این حقایق زمانی جالب‌تر می‌شود که میزان صادرات دو کشور را مقایسه نمائیم. از این منظر در خواهیم یافت که ایران ۱۷۲,۱ میلیون تن از تولید گاز خود را به مصرف داخلی رسانده و تنها ۱,۱ میلیون تن را صادر کرده است. این در حالی است که روسیه تنها ۳۵۲,۳ میلیون تن از تولیدش را به مصرف داخلی رسانده و ۱۶۳,۷ میلیون تن

¹ Time scale

² Corporate Governance

از تولیداتش را صادر می‌کند (BP, 2016:20-29). بنابراین می‌بینیم اگرچه ذخایر اثبات‌شده گازی دو کشور ارقامی قابل توجه و بسیار نزدیک به یکدیگر دارد، لکن در زمینه تولید و صادرات گاز طبیعی دو کشور در حال حاضر فاصله‌ای غیرقابل اغماض دارند (نمودار ۲).



نمودار ۲: مقایسه ذخایر، تولید و صادرات گاز طبیعی ایران و روسیه

(Source of Data: BP Statistical Review of World Energy June 2016)

از این رو می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که در حال حاضر نمی‌توان چشم‌اندازی برای رقابت دو کشور در زمینه صادرات گاز در نظر گرفت و تنها در صورت وقوع تغییر در وضعیت فعلی، می‌توان سخنی از رقابت به میان آورد.

قاعدتاً مرتفع نمودن موانع درونی، نیازمند توجه جدی به مسائل مرتبط می‌باشد که می‌بایست در سیاست‌گذاری‌های کلان ملی مورد توجه قرار بگیرند. در این زمینه می‌توان به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و نیز ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری اشاره نمود. اما در زمینه عوامل خارجی، طبیعتاً مهم‌ترین مسأله چند سال اخیر، امضاء برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) می‌باشد. توافق هسته‌ای با ۱+۵ سریعاً چشم‌انداز گاز جمهوری اسلامی ایران را متحول نمی‌کند، اما نخستین گام ضروری برای ایران به منظور دستیابی به بازارها و تسهیلات بین‌المللی به

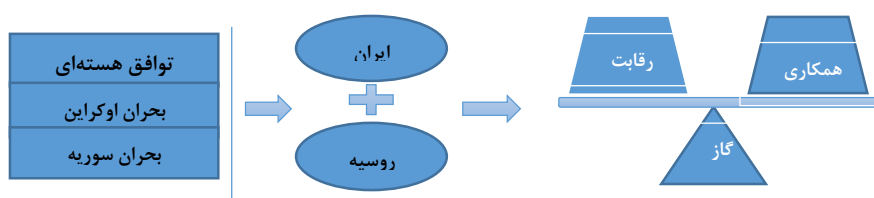
ترسیم‌شده توسط نگارندگان^۱

منظور توسعه صنایع گازی‌اش می‌باشد (Tagliapietr, 2014: 24). در نتیجه، سیاست‌گذاری‌های کلان مدیریتی داخلی در کنار تحولات بین‌المللی چون برجام، می‌تواند از طریق جذب سرمایه‌گذاری و توسعه تکنولوژیک صنایع گازی، افزایش ظرفیت صادرات را برای ایران به ارمغان آورده و نهایتاً چشم‌اندازی جدی برای رقابت ایران و روسیه در بازارهای جهانی گاز، متصور خواهد بود. رقابتی که تنها در اقتصاد محصور نمانده و تحت تأثیر عوامل گوناگون سیاسی و امنیتی قرار خواهد گرفت که بعضاً اهمیت بیشتری نسبت به منافع اقتصادی حاصله خواهد داشت.

رویکرد تدافعی ایران و روسیه در قبال غرب؛ نقش تعیین‌کننده اهرم گازی

در جهان امروز، انرژی نه فقط به جهت بُعد اقتصادی‌اش، بلکه بیش از آن بدلیل ماهیت انحصارگونه‌اش مد نظر کشورها قرار داد و در واقع می‌توان اذعان نمود به سلاحی نیابتی برای قدرت نظامی بدل گشته است. امروزه دیگر کشورهای تأثیرگذار در مقوله انرژی برای تأمین امنیت خود و دسترسی به منافع‌شان در قبال سایر کشورها، بجای استفاده از روش‌های پرهزینه و پرخطر نظامی، از این ابزار جذاب استفاده می‌کنند. در عصر جدید انرژی و پس از تحریم‌های نفتی دهه ۷۰ میلادی توسط اعراب، شاید بتوان فدراسیون روسیه را به‌عنوان کشوری که بیش از دیگر کشورها از این ابزار بهره برده است، در نظر گرفت. بحران گازی سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ اروپا و البته بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین را می‌توان از نمونه‌های بارز این استفاده از سلاح انرژی در نظر گرفت. روسیه توانست با استفاده از تخفیف قیمت و قرارداد تحویل طولانی‌مدت به‌عنوان مشوق، کشورهای دیگر را در مورد مسائل سیاسی به موضع خود نزدیک‌تر کند. در همان زمان، این مزایا این امکان را هم برای روسیه مهیا کرد تا از منابع انرژی به‌عنوان یک سلاح در وادار کردن دولت‌های سرکش استفاده کرده تا آن‌ها از اختلاف خود بر سر سیاست خارجی روسیه خودداری نمایند (Mcnabb, 2016: 135). از طرفی جمهوری اسلامی ایران نیز با دارا بودن از منابع غنی انرژی و به‌ویژه گاز طبیعی، از این ابزار سیاسی-اقتصادی بهره‌مند است؛ ولیکن همانطور که اشاره شد در حال حاضر

امکان استفاده از آن را ندارد. اما با اجرای توافق هسته‌ای و باز شدن درهای جدید در عرصه انرژی جمهوری اسلامی ایران، امکان استفاده از آن فراهم خواهد شد. در این میان اروپا تلاش‌های بسیاری به منظور رفع وابستگی گازی‌اش به روسیه نموده، اما بدلیل عدم وجود آلترناتیو مناسب، موفقیت چشم‌گیری نداشته است. با توافق هسته‌ای و حضور مجدد ایران در بازار انرژی اروپا، طرفین تمایل به افزایش همکاری‌های گازی را ابراز نموده‌اند. از طرف دیگر با وقوع بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین و استفاده حداکثری روسیه از سلاح گازی‌اش علیه اروپا و اوکراین - در کنار استفاده از سلاح نظامی و دیپلماتیک - این کشور هیچ تمایلی برای حضور رقیبی گازی در اروپا ندارد؛ اما ایران در ابتدا نیازمند توسعه تکنولوژی و صادرات گاز خود و سپس یافتن بازارهای جدید می‌باشد که ایران و روسیه را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. ایران به هرصورت بنا بر خواسته روسیه دست روی دست قرار نخواهد داد و نسبت به توسعه صنایع گازی‌اش اقدام خواهد کرد، اما سومین قطعه این پازل گازی که شرایط را دگرگون می‌کند، بحران سوریه است. بحران سوریه به‌عنوان عرصه‌ای از تقابل ایران و روسیه در برابر غرب، منافی در سطوح بالاتر برای دو کشور در مقایسه با رقابت در بازار گازی در پی دارد. از این رو می‌بایست تحلیل نمود که براینده این سه قطعه (توافق هسته‌ای، بحران اوکراین و بحران سوریه) چگونه بر رقابت یا همکاری آینده ایران و روسیه در حوزه صادرات گاز تأثیر خواهد گذاشت.



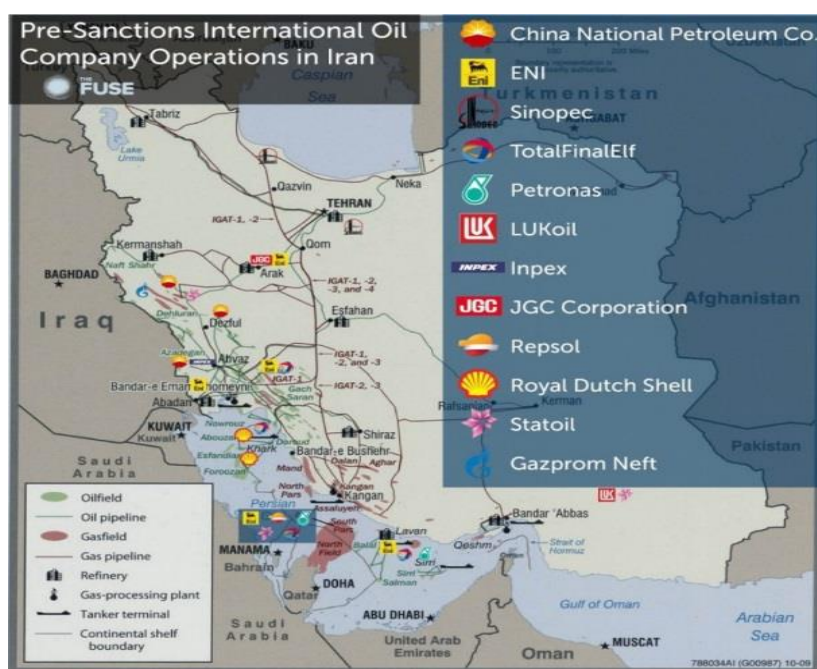
شکل ۱: رقابت/همکاری گازی ایران و روسیه با عنایت به ۳ مولفه توافق هسته‌ای و بحران‌های اوکراین و سوریه

توافق هسته‌ای؛ فرصتی برای احیاء کنش‌گری گازی ایران

توافق با ۵+۱ در خصوص برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نقطه عطفی در تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است که به بیش از یک دهه اختلافات با غرب در خصوص برنامه هسته‌ای ایران پایان داده و شرایط را برای بازگشت مجدد ایران به بازارهای جهانی و به‌ویژه بازار انرژی، فراهم نمود. در این توافق اذعان شده تحریم‌های هسته‌ای در زمینه واردات و حمل و نقل، صادرات تجهیزات یا تکنولوژی‌های کلیدی و همچنین سرمایه‌گذاری در خصوص فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران (JCPOA, 2015: 10)، در صورت عمل به تعهدات توسط طرفین، برداشته خواهند شد. از این رو می‌توان انتظار داشت پس از این توافق، ایران به بازیگری کلیدی در بازارهای انرژی آسیا و اروپا بدل گردد و به رغم افت قیمت‌ها از مزیت نسبی منابع هیدروکربن خود، به‌ویژه گاز، بهره‌بردار (Ehteshami, 2016: 51). اما همانطور که پیش از این اشاره شد، تراز صادرات گاز ایران با در نظر گرفتن واردات گاز از ترکمنستان، اگر منفی و یا صفر نباشد، مقدار بسیار ناچیزی است. از این رو نیاز است برای بازگشت ایران به بازارهای جهانی گاز، مشکلات صنایع انرژی ایران مرتفع گردند و شاهد افزایش ظرفیت صادرات گاز ایران باشیم. مهم‌ترین مسأله در تراز منفی صادرات گاز ایران به رغم جایگاه سوم در میان تولیدکنندگان گاز جهان، مصرف بیش از حد گاز در امور داخلی و استفاده از آن در استخراج نفت می‌باشد؛ علاوه بر این، می‌توان به مشکلات ساختاری در حوزه انرژی ایران، از جمله نرخ پایین سرمایه‌گذاری در صنایع بالادستی، ضعف مدیریتی و بهره‌وری پایین انرژی در اقتصاد اشاره کرد (Tichý & Odintsov, 2016: 5). بدین ترتیب با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نتیجتاً واردات تکنولوژی‌های روز دنیا در زمینه انرژی می‌توان شاهد افزایش ظرفیت صادرات گاز ایران بود. طبق برآوردها ایران به حدود ۲۵۵ میلیارد دلار سرمایه‌جهت نیل به اهدافش در صنایع نفت و گاز دارد (Vakhshouri, 2015: 15).

یکی از بهترین گزینه‌ها برای ایران در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و واردات تکنولوژی، اروپا می‌باشد. شرکت‌های بین‌المللی اروپایی می‌توانند این تکنولوژی و سرمایه را به ایران اعطا نموده و همچنین در افزایش بهره‌وری انرژی در منافع اقتصادی و محیطی به

ایران کمک نمایند. اتحادیه اروپا نیز می‌تواند خریدار خوبی برای گاز و کالاهای مبتنی بر مصرف گاز باشد (Farsi & Esfandiary, 2016: 16). اما تجربه بدعهدی‌ها و تحریم‌های یک دهه اخیر غرب، و به‌ویژه تحریم‌های سال ۲۰۱۲، به ایران آموخته در حوزه انرژی نباید اتکای صرف به اروپا داشت. از این رو از طرفی به منظور افزایش ضریب اطمینان در توسعه صنایع گازی و همچنین به منظور ایجاد توازن در روابط سیاست خارجی‌اش با شرق و غرب، نیاز است بازیگران متوازن‌کننده‌ای چون روسیه و چین را نیز در حوزه صنایع گازی خود وارد کند. پیش از این نیز در حوزه نفت به همین صورت بوده است (شکل ۲).



شکل ۲ فعالیت شرکت‌های نفتی بین‌المللی در ایران پیش از تحریم‌های سال ۲۰۱۲

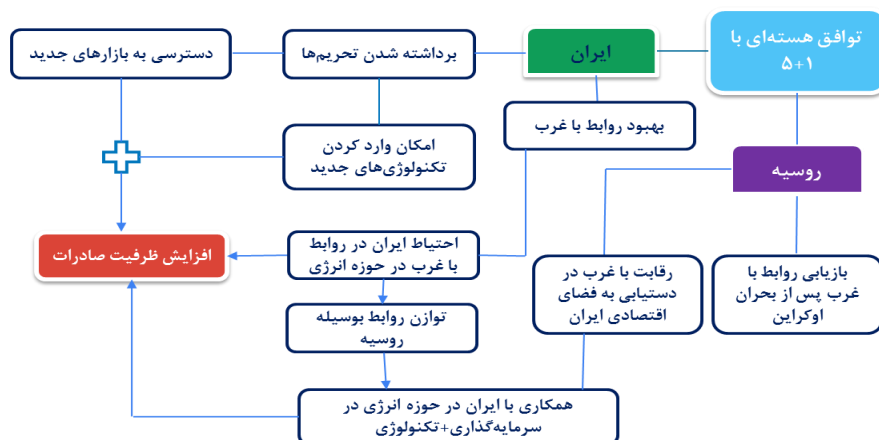
Source: (Piotrowski, 2015)

با صرف نظر از تمایل سنتی چین به حضور در حوزه انرژی ایران، روسیه را می‌توان یک بازیگر کلیدی در این زمینه در نظر گرفت. روسیه که پس از بحران اوکراین و تنش‌های شدید با غرب، نخستین بار در کنار غرب در توافق هسته‌ای با ایران حضور یافت، هرگز

نمی‌خواست در فضای اقتصادی ایجاد شده در ایران پس از برجام از غرب عقب بماند. حضور در جایگاه نخست صادرات گاز جهان و همچنین رقابت و تقابل با اروپا (به‌ویژه در حوزه گاز) مهم‌ترین انگیزه‌های حضور روسیه در عرصه گازی ایران است. در این راستا، پس از برداشته شدن تحریم‌ها گازپروم^۱ گفتگوهایی برای افزایش حضورش به‌عنوان یک سرمایه‌گذار در حوزه انرژی ایران، ترتیب داده است. اما در خصوص روسیه نیز ایران تجربه خوبی در زمینه انرژی نداشته و تا حدودی این حضور را با هدف ایجاد محدودیت در توسعه روابط گازی با اروپا می‌بیند (Geranmayeh & Liik, 2016: 9). بنابراین حفظ توازن برای ایران در خصوص روسیه نیز بسیار ضروری می‌نماید.

در یک جمع بندی کلی می‌توان اذعان نمود پس از توافق هسته‌ای علاوه بر اینکه فرصت‌های بسیاری برای احیاء کنش‌گری گازی ایران در بازارهای جهانی انرژی و سیاست بین‌الملل فراهم آمده، این توافق فرصت‌های بی‌بدیلی را نیز برای دیگر بازیگران بین‌المللی به ارمغان آورده است. در این راستا، هم اروپا و هم روسیه هر دو با اهداف و مقاصد گوناگونی به سرمایه‌گذاری در صنایع گازی ایران متمایل می‌باشند که با حضور هر کدام از این کشورها می‌توان شاهد افزایش ظرفیت صادرات گاز جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه احیای کنش‌گری و حتی کنش‌مندی گازی ایران بود، لکن ملاحظات سیاسی بسیاری در این راستا وجود دارد که نیاز است جمهوری اسلامی ایران با توجه به آنها تعادل و توازن مثبت یا منفی را در قبال این بازیگران در صنایع گازی خود اعمال نماید.

^۱ Gazprom



شکل ۱۳ توافق هسته‌ای و احیاء کنش‌گری گازی ایران

بحران اوکراین؛ چالش گازی روسیه-اروپا و فرصت‌های ایران

بحران سال ۲۰۱۴ اوکراین را می‌توان نقطه عطفی در اختلافات روسیه و غرب به حساب آورد. الحاق کریمه^۲ توسط روسیه و حمایت از جدایی‌طلبان شرق اوکراین به شدت توسط غرب محکوم و به عنوان اقدامی مخاطره‌آمیز برای نظم جهانی تلقی گردید (Plekhanov, 2016: 31) در پاسخ به این واکنش روسیه به تحولات اوکراین، با اعمال تحریم‌هایی به مقابله به مثل پرداخت. ممانعت از برگزاری از اجلاس "جی ۸" در سوچی^۳ و برگزاری آن در بروکسل^۴ در قالب "جی ۷"، و ممنوعیت خرید اوراق قرضه، سهام و یا ابزارهای مالی مشابه با سررسید بیش از ۳۰ روز که توسط پنج بانک عمده دولتی روسی، سه شرکت بزرگ انرژی روسیه و سه شرکت مهم دفاعی روسی در قالب این تحریم‌ها صورت گرفت. اما تحریم‌ها به موارد مذکور محدود نگردیده و تا بزرگ‌ترین نقطه وابستگی اروپا به روسیه نیز توسعه یافت؛ چنانکه در ۲۱ مارس ۲۰۱۴ در بروکسل کشورهای اروپایی گام دیگر تحریم‌ها

^۱ ترسیم شده توسط نگارندگان

^۲ Crimea

علیه روسیه را در زمینه انرژی بررسی کردند (www.Europa.eu). به استدلال تحلیل‌گران اگر اروپا می‌خواهد در موضوع کریمه به مقابله به مثل با روسیه بپردازد، باید به توقف واردات انرژی از روسیه روی بیاورد. در غیر این صورت وضع تحریم‌های اقتصادی امری بیهوده خواهد بود (Chow & Hudson, 2016). لکن تا زمانی که جایگزینی برای نفت و به‌ویژه گاز روسیه وجود نداشته باشد، این رویکرد عملی نخواهد شد.

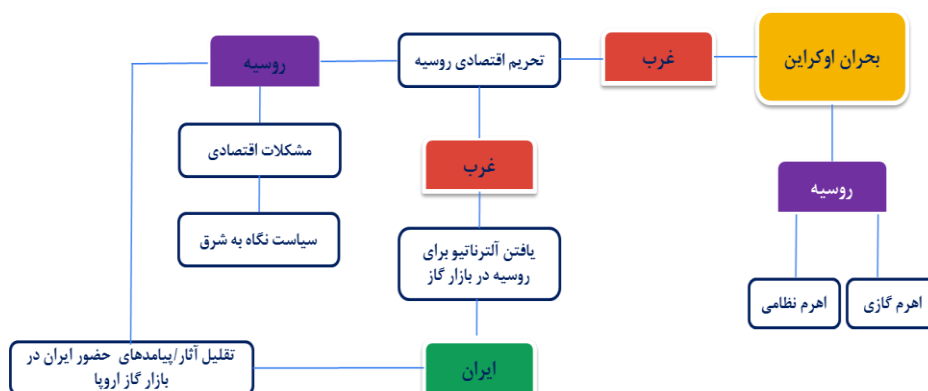
البته در این مقوله نمی‌توان تنها اروپا را وابسته گاز روسیه در نظر گرفت؛ بلکه رابطه‌ای دوسویه است. دو/سوم صادرات روسیه مبتنی بر نفت و گاز بوده و نیز یک/چهارم تولید ناخالص داخلی این کشور از حوزه انرژی - سهم گازپروم به‌تنهایی ۱۰٪ است - تأمین می‌گردد. حدود ۴۰٪ بودجه فدرال نیز از درآمدهای هیدروکربن حاصل می‌شود (Liuhto, 2010: 9). از این روست که با کاهش قیمت حامل‌های انرژی در سال‌های اخیر، متعاقباً کاهش ارزش روبل و مشکلات اقتصادی روسیه را شاهد هستیم. اما در این میان اروپا اصلی‌ترین مقصد صادرات انرژی روسیه است. روسیه به‌تنهایی ۴۴٪ گاز مورد نیاز اروپا را تأمین می‌کند. بحران اوکراین پایانی بر مدل چند دهه کسب‌وکار گازپروم در اروپا بود (Skalamera & Goldthau, 2016: 1). از این رو پس از تحولات اوکراین و تحریم‌های غرب، روسیه سیاست نگاه به شرق را در پیش گرفته است. در سال ۲۰۱۴ روسیه و چین بر سر قراردادی ۳۰ساله به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار برای انتقال ۳۸ میلیارد مترمکعب گاز روسیه از طریق خط لوله سیبری به توافق رسیدند. این طرح که از سال ۲۰۱۸ عملیاتی خواهد شد، توسط پوتین در شانگهای به عنوان «رویدادی حماسی» تلقی گردید (Skalamera, 2014: 3). نگاه به شرق علاوه بر کاهش تأثیر و نفوذ تحریم‌های غرب و درآمد صادراتی بیشتر، فرصت مناسبی برای بدست آوردن متحدین سیاسی جدید به روسیه اعطا خواهد کرد (Henderson & Mitrova, 2016: 5). البته اگرچه چین مهم‌ترین مشتری روسیه در شرق است، اما روسیه در حال توسعه تعاملات اقتصادی و انرژی خود با ژاپن و کره جنوبی نیز می‌باشد.

از سوی دیگر، اروپا همواره به دنبال یافتن آلترناتیو‌هایی جهت تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود و به‌ویژه کاهش وابستگی به روسیه بوده است. این امر منجر به نگاه اروپا به دیگر بازیگران بالقوه در جهت تأمین گاز مصرفی است. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه، منابع در دسترس متعددی در اختیار اروپا قرار ندارد. آفریقا، آسیای مرکزی و قفقاز، ایالات متحده آمریکا و قطر، همه بدلیل دو مسأله اساسی اشباع ظرفیت صادرات و مشکلات انتقال، گزینه‌های مناسبی برای تأمین نیاز گازی اروپا به‌شمار نمی‌آیند. در این میان منابع عظیم گازی ایران می‌تواند به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین آلترناتیوها برای گاز روسیه در اروپا مطرح باشد؛ به‌ویژه با صادرات گاز در حالت LNG و از طریق خطوط لوله از مسیر ترکیه، در میان‌مدت و بلندمدت می‌توان نقشی قابل‌توجه برای ایران در بازار گاز اروپا در نظر گرفت (Unal, 2016: 40). با برداشته شدن تحریم‌ها و به تناسب توسعه تکنولوژی‌های مرتبط و افزایش ظرفیت گاز ایران، کنش‌گری ایران در بازار گاز اروپا قابل افزایش می‌باشد.

پس از امضای برنامه جامع اقدام مشترک اروپا تمایل خود را در این راستا بارها ابراز نموده و در واقع علاقه‌مندی اروپا به سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی ایران در دوره پسابرجام امری آشکار است (Farsi & Esfandiary, 2016: 13). در این راستا کمیساری آب و هوا و انرژی اتحادیه اروپا، میگل آریاس کانتته^۱، برجام را دری باز شده به همکاری نزدیک‌تر ایران و اروپا در زمینه انرژی خوانده و نیز از بازدید مهندسان و تکنیسین‌های اروپایی از تجهیزات انرژی ایران به‌منظور سرمایه‌گذاری خبر داد (www.Reuters.com). امضای قرارداد ۴,۸ میلیارد دلاری پروژه توسعه صنایع گازی با شرکت توتال و شرکت ملی نفت چین در نوامبر ۲۰۱۶ نخستین مورد از این اقدامات بود که بلافاصله پس از اجرایی شدن برجام صورت گرفت. سهم شرکت فرانسوی ۵۰,۱٪ و شرکت چینی ۳۰٪ می‌باشد (Blas et al, 2016). علاوه بر این چندین قرارداد دیگر با شرکت‌های ایتالیایی در حوزه مطالعه و اکتشاف نفت و گاز در این راستا انجام شده است (www.tehrantimes.com). با این

¹ Miguel Arias Cañete

اوصاف روسیه که همواره در مقابل اروپا از دو اهرم نظامی و انرژی بهره می‌برده، هنگامی که با تلاش غرب برای خنثی‌سازی اهرم انرژی‌اش مواجه شود، تلاش خواهد کرد از این وضع جلوگیری کرده و یا حداقل آثار آن را به حداقل برساند. حضور شرکت‌های روسی در صنایع انرژی ایران پس از برجام و تمایل به توسعه همکاری‌های فراتر از ائتلاف سیاسی و نظامی در بحران سوریه، در این راستا می‌تواند مورد تحلیل قرار بگیرد. روسیه قاعدتاً می‌داند توانایی ممانعت از حضور ایران در بازار گاز اروپا در آینده را ندارد؛ لذا با هدف تقلیل آثار و پیامدهای این حضور برای موثر نگه داشتن سلاح راهبردی‌اش در قبال اروپا تلاش خواهد نمود.



شکل ۴ بحران اوکراین؛ چالش گازی روسیه-اروپا و فرصت‌های ایران

بحران سوریه؛ تقدم همکاری تدافعی شبه‌راهبردی

با گذشت بیش از ۵ سال از بحران سوریه، تقابل بسیار شدیدی میان دو جبهه دولت سوریه و مخالفین مسلح صورت گرفته است. اما آنچه موجب پیچیدگی این بحران گردیده تلافی منافع بازیگران خارجی و به تبع آن حمایت‌های خارجی از بازیگران داخلی می‌باشد. به طوری که فراتر از جنگ داخلی، این درگیری ماهیت جنگی نیابتی^۱ یافته که طرفین در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در حال درگیری و مخاصمه می‌باشند (Asseburg

^۱ Proxy war

3: 2012, Wimmen &). در این میان غرب به رهبری ایالات متحده راهبرد تغییر رژیم بشار اسد - به‌عنوان نزدیک‌ترین متحد ایران در خاورمیانه - را در پیش گرفت که منجر به شکست مذاکرات اسد و مخالفین صلح‌طلب را در پی داشت (Mossallanejad, 2016: 8). طی این استراتژی سه مرحله‌ای، غرب در ابتدا با انتقاد از اسد در سرکوب تظاهرات، وی را مسئول اتفاقات پیش آمده عنوان کرد، سپس به حمایت مالی و نظامی از نیروهای مخالف اسد پرداخت که نهایتاً به پیدایش گروه‌های افراطی چون داعش در سوریه کمک نموده است؛ در سومین مرحله از این راهبرد نیز به منظور دریافت مجوز مداخله نظامی در سوریه از طریق شورای امنیت سازمان ملل، به بهانه مداخله بشردوستانه اقدام نموده است. اروپا، ترکیه و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس¹ از این راهبرد پشتیبانی نموده‌اند (Selim, 2016: 10). غرب در این بحران بازیگری کنش‌مند بوده و آغازگر و تشدیدکننده بحران به حساب می‌آید.

روسیه بازیگر مهم دیگری است که در این بحران نقشی کلیدی ایفا می‌کند. مجموعه‌ای از عوامل استراتژیک و تاکتیکی موجب حضور روسیه در سوریه شده است. در میان عوامل استراتژیک مهم‌ترین هدف رهبران روس شکستن بن‌بست استراتژیکی² است که روسیه را تابع قواعد و سلطه غربی نگه داشته و این کشور را در استفاده از قدرت حاکمه داخلی و بین‌المللی محدود نموده است. از جمله عوامل تاکتیکی نیز می‌توان به مواردی چون منافع ژئوپلیتیکی، اقتصادی و نظامی و همچنین جلوگیری از سقوط یک دولت همسو اشاره کرد (Dutkiewicz & Kozhanov, 2016: 2). بازیگر کلیدی و مهم دیگری که در این میان به ایفای نقشی بسیار پررنگ ایفا نموده است، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. ایران و سوریه حداقل از بعد جنگ ایران - عراق و از زمان ریاست جمهوری حافظ اسد به - عنوان متحدین استراتژیک یکدیگر بوده‌اند و سوریه نیز معمولاً ایران را نزدیک‌ترین متحدش می‌خواند (Nasur, 2014: 81). تغذیه حزب‌الله لبنان در مبارزه با اسرائیل و حفظ محور

¹ Gulf Cooperation Council(GCC)

² Strategic deadlock

استراتژیک مقاومت^۱، از زمره مهم‌ترین منافع راهبردی ایران در سوریه برای حفظ رژیم اسد به شمار می‌رود. تلافی منافع راهبردی این بازیگران در بحران سوریه منجر به شکل‌گیری تقابلی شدید میان جبهه غرب در سقوط رژیم اسد و جبهه ایران و روسیه به منظور حفظ و بقای دولت سوریه شده است.

ایران و روسیه به‌رغم اختلافات بسیار به‌ویژه بدلیل حمایت روسیه از قطعنامه سال ۲۰۱۰ شورای امنیت در تشدید تحریم‌ها علیه ایران و کشمکش‌های فروش سامانه اس-۳۰۰ (Har-Zvi, 2016: 14)، منافع مشترکی در حوزه‌های گوناگون و به‌ویژه در تقابل با غرب و انتقاد نسبت به ساختار نظام بین‌الملل داشته‌اند. روسیه همچنین در راستای تئوری اوراسیاگرایی^۲ خود حساب ویژه‌ای بر روی ایران باز کرده است. الکساندر دوگین^۳ در این زمینه تأکید می‌کند که امپراطوری اوراسیایی روسیه نیازی تاریخی برای دسترسی به آب‌های گرم از طریق ایران خواهد داشت و این امر روسیه را مجاب می‌کند روابط مستحکمی با ایران داشته باشد (Dunlop, 2004: 11). اما پس از توافق هسته‌ای و با آغاز بحران سوریه، ایران و روسیه بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر نزدیک شده‌اند. با گذر زمان و تقویت روزافزون مخالفین اسد، این ائتلاف^۴ میان ایران و روسیه نیز مداوماً تحکیم شده است (Dutkiewicz & Kozhanov, 2016: 4). از سوی دیگر شروع عملیات نظامی روسیه در سوریه، ائتلاف جدیدی با سوریه، ایران، حزب‌الله و کردها درمقابل مخالفین مسلح دولت سوریه - و مورد حمایت غرب- بوجود آورده که توجه ویژه‌ای را در سیاست خاورمیانه روسیه به خود جلب نموده است (Zvyagelskaya, 2015: 3)؛ حضور بمبافکن‌های TU-22M3 - که زمانی توسط شوروی به منظور استفاده علیه ایران در اختیار صدام حسین قرار گرفته بودند- در پایگاه هوایی شهید نوژه، تحت نظارت و کنترل

¹ Strategic Resistance Axis

² Eurasianism

³ Alexander Dugin

⁴ Coalition

کامل جمهوری اسلامی ایران و برای اهدافی که اساساً در راستای منافع ایران بوده، نشان تعمیق بیش از پیش این روابط به سطوحی بالاتر از یک ائتلاف موقت می‌باشد.

از طرف دیگر این تعمیق روابط میان ایران و روسیه در حوزه مسائل سیاسی - امنیتی، با چشم‌پوشی از اختلافات، موجب تسری همکاری‌های دو کشور به حوزه‌های دیگر به‌ویژه اقتصاد شده است. در این راستا به گفته وزیر انرژی روسیه، الکساندر نواک^۱، در سال ۲۰۱۶ روابط اقتصادی فیمابین ایران و روسیه رشد بیش از ۸۰ درصدی را به خود دیده است. وی همچنین از احتمال امضای موافقتنامه تجارت آزاد با ایران در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲ در سال آینده خبر داد (Novak, 2016). در این میان حوزه انرژی و به‌ویژه صنایع گازی عرصه‌ای بسیار مهم و تاحدودی راهبردی به حساب می‌آید. الکساندر مدودف، قائم‌مقام ریاست گازپروم به‌وضوح اظهار داشته این شرکت علاقه بسیاری به اجرای پروژه‌هایی در زمینه تولید گاز مایع، خطوط لوله انتقال گاز (به‌ویژه به هندوستان) و دیگر فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران دارد (www.Sputniknews.com). بلومبرگ نیز پس از سفر هیأت روسی به تهران و امضای ۹ توافق‌نامه در صنایع انرژی و خطوط آهن، به قرارداد نامشخصی میان گازپروم و شرکت دولتی گاز ایران اشاره کرده است. البته تجربیات دریای خزر، انتقال گاز به ارمنستان و حتی موضوع انتقال گاز ترکمنستان از طریق ایران و دیگر اختلافات مشابه، به ایران اثبات کرده هرگز نمی‌توان تمام سرمایه‌گذاری خود را به روس‌ها منعطف نمود. از این رو ایجاد توازن در روابط گازی با روسیه به‌وسیله غرب، کاملاً طبیعی است؛ ولیکن نمی‌توان منکر همکاری مهم گازی ایران و روسیه در چارچوب حرکت به سمت مشارکت راهبردی^۳ دو کشور شد.

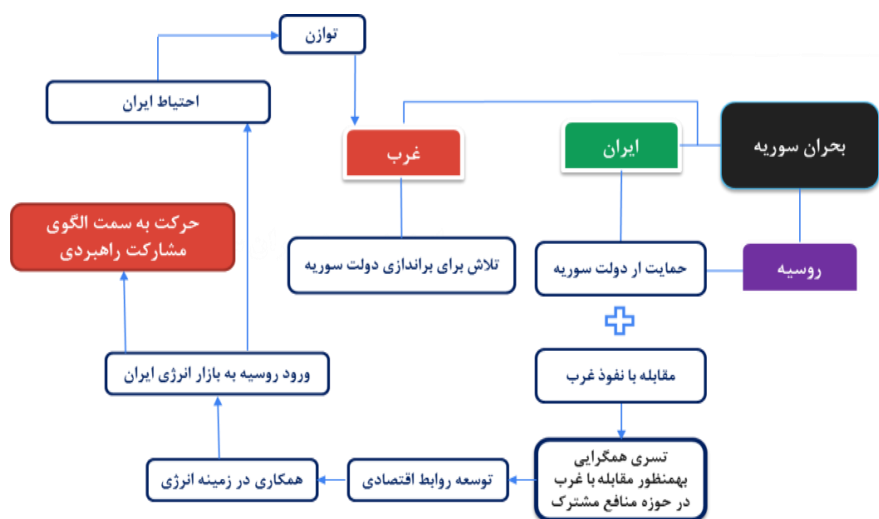
بنابراین در مجموع می‌توان اینگونه اظهار داشت که راهبرد همکاری تدافعی ایران و روسیه در مقابل غرب در بحران سوریه، بر جنبه‌های دیگر تعاملات دو کشور تأثیر خواهد

¹ Aleksandr Novak

² Eurasian Economic Union (EEU)

³ Strategic partnership

گذاشت و به‌عنوان نمونه‌ای از دیگر عرصه‌ها، می‌توان شاهد آن بود که رقابت و یا حتی تقابل تاکتیکی اقتصادی در حوزه صادرات گاز (به‌ویژه در اروپا) تحت تأثیر این همکاری شبه‌راهبردی قرار گیرد و دو کشور به سمت الگوی مشارکت راهبردی در تعاملات خود حرکت نموده‌اند. از این‌رو حضور متفاوت روسیه در حوزه گازی ایران فرصت مغتنمی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد و البته نیازمند توجهی موکد به منظور پیشگیری از آسیب‌های احتمالی است. قاعدتاً بهترین رویکرد در این زمینه ایجاد توازن پایدار منطبق با مصالح و منافع ملی است، که فرصت‌های پیش آمده از جانب اروپا و روسیه را حفظ نماید.



شکل ۱۵ همکاری تدافعی ایران و روسیه در روسیه، تسری به حوزه انرژی و حرکت به سمت روابط راهبردی

بایسته‌های سیاست‌گذارانه در وضعیت مشارکت راهبردی

الگوی مشارکت راهبردی شیوه نوینی از تعامل میان دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل است. در حالی که «مشارکت»، «اتحادها»، «موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد»، «همکاری‌ها» و «روابط ویژه» گونه‌های قدیمی‌تر روابط میان بازیگران سیاسی است، مشارکت راهبردی

ترسیم شده توسط نگارندگان^۱

تحکیم و تثبیت خود را به‌عنوان زبانی که تعاملات در روابط بین‌الملل را تعریف می‌کند، از دهه ۱۹۹۰ آغاز به کار نمود (Blanco, 2011: 3). چین با دیپلماسی مشارکت راهبردی پیشرو این عرصه به حساب می‌آید.

چین نخستین بار در سال ۱۹۹۳ با برزیل نخستین تفاهم‌نامه مشارکت راهبردی را به امضا رساند و هم‌اکنون بیش از ۴۰ مشارکت راهبردی با کشورهای دنیا دارد. درمقابل حالت ایده‌آل مشارکت، مشارکت راهبردی از تعاریف و یا معیارهای بسیار خاص رهایی جسته است. نخست، بسیار سخت است که بتوان ادغان نمود در مشارکت راهبردی طرفین برابر یا به‌لحاظ اهمیت در سطح یکدیگر قرار دارند. آنگولا در میان این کشورها برای چین قابل مقایسه با اتحادیه اروپا و یا روسیه نیست. دوم، مشارکت‌های راهبردی ممکن است هنگام توصیف روابط چین با دوستان نزدیکش غیرمرتبط به‌نظر برسند. چین با پاکستان که یک دوست بلندمدت این کشور به حساب می‌آید هم در سال ۲۰۰۵ سند مشارکت راهبردی به امضا رساند. سوم، مفهوم دقیق مشارکت معمولاً در ارتباط با یک بازیگر در مقابل دیگری، متفاوت بوده و با تعابیر گوناگونی مواجه است و می‌تواند به مرور زمان تغییر کند (Zhonping & Jing, 2014: 8). در واقع می‌توان اینگونه ابراز داشت مشارکت راهبردی زمانی میان دو کشور به وجود می‌آید که دولت‌ها به منظور ارتقاء تعاملات منظم خود از سطوح پایین به بالاترین، برای برخورد با گونه‌های متنوعی از مسائل که در جستجوی صمیمانه و جامع‌نگرانه برای همکاری و مفاهمه موجب نگرانی هر کدام از طرفین شده، و تعهدات بلندمدت برای منافع مشترک و پیشبرد اهداف خود ایجاد می‌کنند - اما وارد اتحاد^۱ با یکدیگر نمی‌شوند - موافقت می‌کنند (Mansingh, 2005: 2221). بنابراین این نوع تعامل میان دولت‌ها اساساً متفاوت از روابط راهبردی و اتحاد مد نظر رئالیست‌ها و یا همگرایی اقتصادی و سیاسی لیبرال‌ها می‌باشد و می‌توان ادغان نمود وجود یک تهدید رقیب مشترک لزوماً ضروری نمی‌باشد.

¹ Alliance

به‌رغم اختلاف‌نظرهای بسیار در مورد معیارها و شاخص‌های مشارکت راهبردی، ویلکینز^۱ سه معیار و شاخص اصلی را برای این امر ذکر می‌کند. نخست؛ هرچه منافع و ارزش‌های مشترک در تراز نزدیک‌تری قرار بگیرند، مشارکت قوی‌تر شده و انگیزه‌ها برای همکاری در منافع مشترک بیشتر می‌شود. دومین معیار ترقی و پیشرفت در دستیابی به اهداف است، که می‌تواند با مقیاس‌های گوناگونی همچون دیالوگ‌های سیاسی، مبادلات اقتصادی و ... مورد سنجش قرار بگیرد. سوم؛ برداشتها و ادراکات مشترک است که می‌تواند مسائلی که موجب تقویت یا تضعیف انسجام در مشارکت راهبردی شود را برجسته سازد. فاکتورهای آن عبارتند از میراث تاریخی، گرایش‌ات ایدئولوژیک، قرابت‌های فرهنگی و اعتماد متقابل (Wilkins, 2008:366). البته این سه معیار می‌توانند شاخص‌های تداوم مشارکت راهبردی نیز به حساب بیایند. سطوح گوناگون مشارکت در شکل ۶ نشان داده شده است.



شکل ۵ سطوح گوناگون مشارکت (Geldenhuis, 2015:122)

لذا با عنایت به مباحث پیشین در خصوص توافق هسته‌ای به‌عنوان احیاگر کنش‌گری گازی ایران، بحران اوکراین به‌مثابه چالش گازی روسیه و اروپا و نهایتاً بحران سوریه به‌عنوان عرصه‌ای که در آن همکاری تدافعی شبه‌راهبردی تقدم بر امور تاکتیکی از جمله رقابت اقتصادی داشته، با تسری این همکاری به عرصه انرژی و اقتصاد می‌توان شاهد شکل‌گیری مشارکت راهبردی میان فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران بود. اما تداوم و پایایی و یا حتی ارتقای این نوع از تعاملات ارزشمند نیازمند توجه و لحاظ نمودن سه معیار ضروری مشارکت راهبردی در سیاست‌های گازی، به‌ویژه در قبال اروپا می‌باشد. از این رو جمهوری اسلامی ایران می‌بایست به روابط و تعاملات فعلی با روسیه به گونه‌ای دیگر

^۱ Wilkins

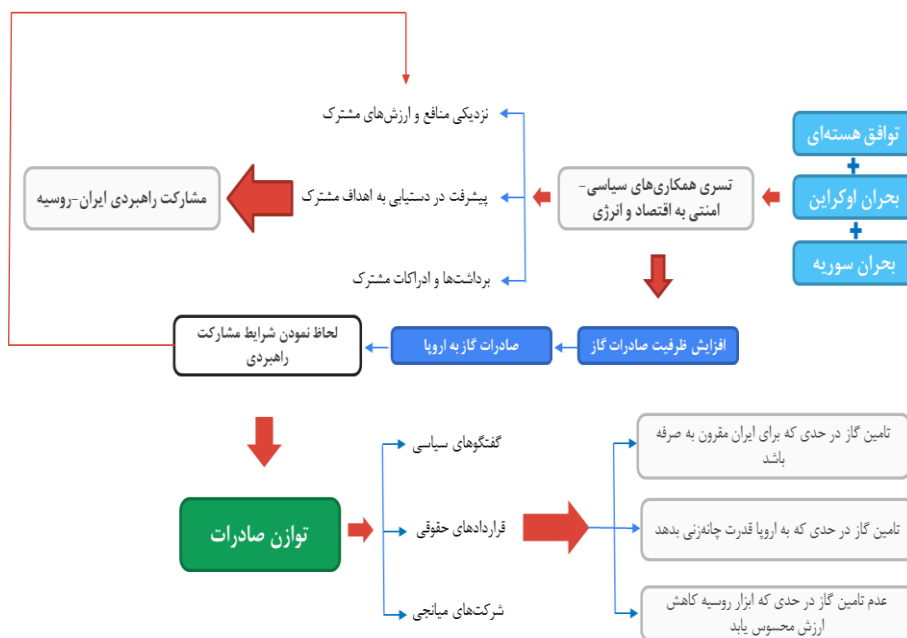
نگریسته و در عرصه‌های مهمی چون صادرات گاز طبیعی، ملاحظات را در این راستا، در نظر بگیرد.

در این زمینه همانطور که اشاره شد الگوی متوازن‌سازی مثبت و منفی بهترین گزینه پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین حداکثری منافع سیاسی و اقتصادی‌اش می‌باشد. از این رو در فرایند توسعه صنایع گازی و صادرات این محصول راهبردی، به‌ویژه به بازارهای اروپا، جمهوری اسلامی می‌بایست به طور همزمان سه عامل مهم را در نظر گرفته و از اهرم‌های گوناگونی که در دست دارد برای تأمین این سه شرط بهره ببرد. نخستین پیش‌شرط در این راستا، تأمین گاز اروپا به میزانی است که منافع سیاسی و اقتصادی کشورمان به میزان قابل توجهی تأمین گردد و به اصطلاح مقرون به صرفه باشد. این فاکتور ممکن است با توجه به علاقه سنتی کشورمان به بازارهای اروپا، بدیهی به نظر برسد. عامل دوم که متقابلاً مهم به نظر می‌رسد، تأمین گاز به میزانی است که برای اروپا نیز ارزشمند بوده و در مقابل روسیه قدرت چانه‌زنی بیشتری به اروپا اعطا نماید.^۱ از این رو با لحاظ این شرط برای جمهوری اسلامی هم متعاقباً ابزار قابل توجهی به منظور تضمین منافع و تعاملات با اروپا بدست می‌آید. سومین و مهم‌ترین پیش‌شرط متوازن‌ساز در این راستا، عدم تأمین گاز اروپا به حدی است که اهرم گازی روسیه در قبال این منطقه از میان رفته و یا کاهش محسوس یابد. این عامل سوم در واقع در کنار دیگر شاخص‌های مشارکت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، می‌تواند ضامن بقا و تداوم این مشارکت راهبردی باشد.

ابزارهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی در دسترس متعددی برای لحاظ این شرایط در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. نخستین ابزار، قراردادهای حقوقی است که به‌ویژه در صنایع انرژی میان جمهوری اسلامی ایران و این کشورها منعقد می‌گردد. سیاست‌گذاران انرژی کشورمان می‌توانند با لحاظ نمودن شرایط حقوقی ویژه، انعقاد در حوزه‌های موضوع

ممكن است تأمین گاز اروپا توسط ایران در حدی باشد که برای ایران آورده ارزشمندی باشد، ولیکن برای اروپا از درجه اعتبار^۱ قابل اغمازی برخوردار باشد. علت این امر اختلاف در سطوح قدرت بازیگران می‌باشد.

خاص، فراز و فرود وسعت تکنیکی و مبالغ قراردادهای به‌منظور حفظ توازن فوق‌الذکر استفاده کنند. ابزار بسیار مهم دیگر، گفتگوهای سیاسی می‌باشد. در کنار تمامی شرایط فوق‌الذکر باز هم این گفتگوهای سیاسی است که می‌تواند ادراکات شکل گرفته میان رهبران و سیاست‌گزاران دو کشور را شکل دهد و از این رو، این دیالوگ‌ها می‌توانند نقشی پیشگیرانه و ایضا متوازن‌ساز در این زمینه ایفا نمایند. سومین ابزار در دسترس هم شرکت‌های میانجی، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی است که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ظرفیت آن‌ها می‌تواند توازن مورد نظر خویش را در توسعه صنایع و صادرات گازی، حفظ نماید.



شکل ۶۱ الگوی توازن صادرات گاز به منظور تداوم مشارکت راهبردی ایران-روسیه

نتیجه‌گیری

تقاضای روزافزون کشورهای جهان برای گاز طبیعی موجب شده این محصول در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای در میان حامل‌های انرژی برخوردار شود، به نحوی که برخی تحلیل‌گران قرن حاضر را قرن گاز نامیده‌اند. از این رو با توجه به برخورداری تعداد محدود کشورهای جهان از این منبع انرژی و متعاقباً محدودیت در عرضه و افزایش تقاضا برای آن در بازارهای جهانی، گزاره‌های سیاسی مرتبط با این مقوله اقتصادی نیز به مرور زمان پدید آمده‌اند. جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه با برخورداری از بیشترین ذخایر گازی جهان نقشی مهم و اساسی در این میان ایفا می‌کنند که همین امر زمینه را برای رقابت و یا همکاری این دو کشور در حوزه‌های گوناگون پدید آورده است. یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها، بازار گاز اروپا می‌باشد. در حال حاضر اروپا به شدت به گاز روسیه وابسته بوده و روسیه نیز هیچگاه در استفاده از اهرم گازی خود در پاسخ به غرب و کنش‌هایش، تردید ننموده است. از این رو اروپا همواره در جستجویی تاریخی برای کاهش وابستگی به منابع گازی روسیه، تلاش کرده تا از تمام ابزارهای سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک خود استفاده نماید.

در این میان یکی از بهترین گزینه‌ها، ایران بوده است؛ لکن با توجه به دو مانع عمده در این مسیر، تاکنون این گزینه بالقوه، بالفعل نگردیده است. مانع نخست، اختلافات سیاسی عمیق ایران و غرب بوده که نتیجه متأخر و محسوس آن در قالب تحریم‌های اعمالی علیه کشورمان بروز و ظهور یافته است. مانع دوم، تراز بسیار پایین - نزدیک به صفر - صادرات گاز ایران بوده است. تقریباً تمام گاز تولیدی کشورمان برای مصارف داخلی استفاده می‌شود، اما توافق هسته‌ای و متعاقب آن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با فراهم آوردن امکان برداشته شدن تحریم‌های اعمالی بر صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، می‌تواند نویدبخش افزایش ظرفیت صادرات و نتیجتاً کنش‌گری و کنش‌مندی جمهوری اسلامی ایران در بازارهای جهانی گاز باشد. ذکر این مسأله نیز ضروری می‌نماید که این افزایش

ظرفیت و نهایتاً صادرات، تنها در صورتی قابل حصول‌اند که در ابتدا مشکلات ساختاری و درونی صادرات مرتفع گردند. تنها در این صورت است که می‌توان به تأثیرگذاری موارد فوق‌الذکر امیدوار بود.

با افزایش ظرفیت صادرات گاز طبیعی، ایران یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین رقبای روسیه در اروپا خواهد بود. از این رو رقابت اقتصادی این دو کشور در آینده امری محتمل و قاعدتاً طبیعی خواهد بود، اما همانطور که اشاره شد، جایگاه بازار گاز اروپا برای روسیه فراتر از صرف یک بازار اقتصادی خواهد بود و چه بسا ماهیت سیاسی آن مهم‌تر باشد. بحران اوکراین و روند رو به رشد تقابل روسیه و غرب با اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه، اهمیت این موضوع را دوچندان نموده است. از این رو مشارکت و سرمایه‌گذاری اروپا در صنایع نفت و گاز کشورمان با توجه به ظرفیت بکر و فوق‌العاده گاز ایران؛ همچنین نیازهای اروپا قابل پیش‌بینی می‌باشد، اما به‌طور قطع روسیه از این امر خشنود نخواهد بود. قاعدتاً روس‌ها به خوبی می‌دانند راهی برای ممانعت از توسعه صنایع گازی و افزایش ظرفیت صادرات ایران در آینده ندارند. پس بهترین گزینه پیش‌روی آن‌ها حضور در این عرصه و تعامل با ایران به منظور تقلیل پیامدهای حضور آتی ایران در بازار گاز اروپا می‌باشد، از طرفی جمهوری اسلامی ایران نیز هیچ‌گاه تجربه خوبی از همکاری حوزه انرژی با یکی از این دو (روسیه و غرب) نداشته و از این رو متوازن‌سازی بهترین گزینه پیش‌رو می‌باشد، بنابراین توصیه می‌شود به دور از نگاه‌های سیاسی و حتی اقتصادی، مسئولین و متولیان امر از ظرفیت هر دوی این بازیگران بهره ببرند.

اما همکاری تدافعی شبه‌راهبردی دو کشور در بحران سوریه تردیدها را تا حدودی از میان برداشته و در این راستا شاهد آن بوده‌ایم که تقابل تاکتیکی اقتصادی در حوزه صادرات گاز تحت تأثیر این راهبرد تدافعی مشترک در مقابل غرب، به‌منظور حفظ منافع استراتژیک دو کشور، قرار گرفته است. قاعدتاً شرایط فعلی پایدار نبوده و مادامی این فرصت بی‌بدیل برقرار است که اولاً منافع مشترک و راهبردی دو کشور در خاورمیانه و به‌ویژه سوریه به حدی باشد که بر منافع متعارض پیشی بگیرد؛ و ثانیاً، روابط فعلی به‌گونه

رقم بخورد که الگوی مشارکت راهبردی در تعاملات میان دو کشور حکمفرما باشد. بدین ترتیب فرصتی تاریخی برای توسعه صنایع گاز کشورمان فراهم آمده که می‌بایست حداکثر استفاده از آن (به‌ویژه در خصوص روسیه) صورت پذیرد.

در شرایط مشارکت راهبردی با روسیه اما کشورمان نیاز است بایسته‌هایی سیاست‌گزارانه را در سند چشم‌انداز سیاست‌های گازی‌اش به منظور تأمین هرچه بیشتر و بهتر منافعش لحاظ نماید. در این راستا سه شرط مهم و اساسی می‌بایست مداوماً مد نظر سیاست‌گزاران این عرصه قرار بگیرد. نخستین و بدیهی‌ترین امر تأمین گاز اروپا به حدی است که برای کشورمان به لحاظ اقتصادی و سیاسی مقرون به صرفه باشد. شرط دوم، تأمین گاز در حدی است که به اروپا قدرت چانه‌زنی بدهد؛ و نهایتاً صادرات گاز به میزانی که ابزارها و اهرم‌های روسیه در قبال اروپا کاهش محسوسی نیابد. در این میان سه ابزار اصلی و اساسی از جمله قراردادهای حقوقی، گفتگوهای سیاسی و شرکت‌های میانجی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

منابع:

- CEE (Center for Energy Economics). (2009). **Economics of the Energy Industry**. Texas: University of Texas at Austin.
- Henderson, James, Mitrova, Tatiana. (2016). **Energy Relations between Russia and China: Playing Chess with the Dragon**. London: Oxford Institute for Energy Studies.
- Liuhto, Kari. (2010). **Energy in Russia's foreign policy**. Turku: Electronic Publications of Pan-European Institute.
- McNabb, David. E. (2016). **Vladimir Putin and Russia's imperial revival**. New York: CRC-Press.
- Ehteshami, Anoushiravan. (2016). "Energy cooperation between EU and Iran". In S. Blokman, A. Ehteshami and G. Bahgat Eds, **EU-Iran Relations after the nuclear deal**. Brussels: Centre for European Policy Studies.
- Plekhanov, Sergei. (2016). "Assisted suicide: internal and external causes of the Ukrainian crisis". in J.L. Black and Michael Johns, **The return of the cold war: Ukraine, The west and Russia**. New York: Routledge.
- Asseburg, Muriel, Wimmen, Heiko. (2012). "Civil War in Syria: External Actors and Interests as Drivers of Conflict", **SWP Comments**, No. 43.
- Bani Nasur, Nader Ibrahim M. (2014). "Syria-Iran Relations (2000-2014)". **International Journal of Humanities and Social Science**, Vol.4 (12).
- Dunlop, John B. (2004). "Aleksandr Dugin's Foundations of Geopolitics". **Demokratizatsiya**, Vol.12 (1).
- Geldenhuys, Deon. (2015). "The comprehensive strategic partnership between South Africa and Russia". **Strategic Review for Southern Africa**, Vol.37 (2).
- Har-Zvi, Shay. (2016). "The Return of the Russian Bear to the Middle East". **Middle East Security Studies**, Begin-Sadat Center for Strategic Studies, NO.120.

- Mansingh, Surjit, (2005), “India and the US: A Closer Strategic Relationship?”. **Economic and Political Weekly**, Vol.40 (22).
- Mossallanejad, Abbas. (2014). “The Impact of Strike to Iran on Global Energy Market”. **Geopolitics Quarterly**, Vol.9 (4).
- Mossallanejad, Abbas. (2016). “The Rise of ISIS and the Future of Iraq’s Security”. **Geopolitics Quarterly**, Vol.11 (4).
- Tagliapietra, Simone. (2014). “Iran after the (potential) Nuclear deal: What’s next for the country’s natural gas market?”. **Fondazione Eni Enrico Mattei (FEEM) Working Paper**, No. 31.
- Tichý, Lukáš, Odintsov, Nikita. (2016). “Can Iran Reduce EU Dependence on Russian Gas?”. **Middle East Policy**, Vol. XXIII (1).
- Unal, Serhan. (2016). “Post-Sanctions Iran and Regional Energy Geopolitics”. **Turkish Energy Foundation**, No.5.
- Wilkins, Thomas. S. (2008). “Russo-Chinese Strategic Partnership: A new Form of Security Cooperation?”. **Contemporary Security Policy**, Vol.29 (2).
- Zhonping, Feng, Jing, Huang. (2014). “China’s strategic: partnership diplomacy: engaging with a changing world”. **European Strategic Partnership Observatory (ESPO)**, Working paper No. 8.
- Blanco, Luis. (2011). “Strategic Partnership: a new form of association in International Relations?”. **Third Global International Studies conference, 17-20 August**. (pp. 1-35). University of Porto, Porto, Portugal.
- Selim, Gamal M. (2016). “The Syrian Crisis and the Dynamics of a New Cold War”. **2016 Annual Conference of the Canadian Political Science Association**. 31 May – 2 June. (pp. 1-17). Alberta, Canada.
- Blas, Javier, Kalantari, Hashem, Motevalli, Golnar. (2016). “Total, China Join Iran’s First Gas Deal since Sanctions Eased”. accessible at: www.bloomberg.com/news/articles

- British Petroleum. (2016). “BP Statistical Review of World Energy”. accessible at: www.bp.com/content/dam/bp/pdf.
- Chow, Edward, Hudson, Anne. (2013). “The Russia-EU Gas Relationship: A partnership of necessity”. accessible at: www.csis.org.
- Dutkiewicz, Piotr, Kozhanov, Nikolay. (2016). “Civil War in Syria and the Evolution of Russian-Iranian Relations”. available at: www.epc.ae.
- European Union. (2014). “EU sanctions against Russia over Ukraine crisis”. accessible at: <https://europa.eu/newsroom>.
- Farsi, Rouzbeh, Esfandiary, Dina. (2016). “An EU Strategy for relations with Iran after the nuclear deal”. available at: www.europarl.europa.eu/RegData.
- Geranmayeh, Ellie, Liik, Kadri. (2016). “The new power couple: Russia and Iran in the Middle East”. available at: www.ecfr.eu/page/-/ECFR_186.
- Novak, Aleksandr. (2016). “Russian trade with Iran up 80 percent”. accessible at: www.rtl.com/business.
- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD). (2007). “Energy Security and Competition Policy”. accessible at: www.oecd.org/competition/abuse.
- Piotrowski, Matt. (2016). “Gas Could Trump Oil in Iran’s Post-Sanctions World”. accessible at: <http://energyfuse.org/gas>.
- Reuters. (2016). “EU officials to visit Iran in February to develop energy ties”. accessible at: www.reuters.com/article/us-iran.
- Skalamera, Morena. (2014). “Putin’s Asia Strategy for 2015”. available at: <http://www.nbr.org/research>.
- Skalamera, Morena, Goldthau, Andreas. (2016). “Russia: Playing Hardball or bidding farewell to Europe?”. Available at: www.belfercenter.org/sites/default/files.
- Sputnik News. (2016). “Gazprom Interested in Projects in Iran, Including Gas Pipeline to India”. accessible at: <https://sputniknews.com>.

- Tehrantimes. (2016). “Russia, Spain, Italy sign contracts to help exploration of Iranian oilfields”. accessible at: **www.tehrantimes.com**.
- U.S Department of State. (2015). “Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)”. accessible at: **www.state.gov/documents**.
- Vakhshouri, Sara. (2015). “Iran’s energy policy after the nuclear deal”. available at: **<https://svbweb.s3.amazonaws.com/media/reports>**.
- Zvyagelskaya, Irina. (2015). “Russia in a Changing Middle East”. available at: **<http://www.europeanleadershipnetwork.org>**.